

سخنی سرگشاده با آقای خاتمی و آنهایی که درد دین دارند

شرک عامل اصلی مذهب گریزی

نه همت را امید سربلندی

حافظ نه درمان دلی نه «درد دینی»

اگر تاریخ تحولات فکری بشر را از بدو تمدن بررسی کنیم می بینیم که مذهب (خوب یا بد) مهمترین نقش را در رشد فکری و در نتیجه تحولات اجتماعی انسان به عهده داشته است. از این نظر شاید بتوان گفت که میهن ما ایران یکی از بارزترین نمونه هایی است که مذهب در سرتاسر تاریخ تحولات اجتماعی اش نقش عمده ای داشته است. از این نظر به جرأت می توان گفت که پایگاه فکری بیشتر جوانان نسل گذشته ایران مثل این کمینه، و البته جوانان این دوره سیاسی ایران را مذهب و آموزش های دینی تشکیل می دهد. در این زمینه اگر دقیق شویم می بینیم حتا آنهایی که بعدها از نظر فکری در گروه های فکری مخالف مذهب طبقه بندی می شوند، سکوی آغازین پرش فکری شان مذهب و داده های دینی بوده است. این حقیقتی است انکار ناپذیر که نه تنها درخصوص اغلب اندیشه ورزان ما بلکه درخصوص بیشتر اندیشمندان جهان نیز صدق می کند. به همین خاطر عناصر فکری و فرهنگی مذهب همیشه مورد توجه پژوهندگان بوده و هست و خواهد بود. چرا که به نظر من مذهب ساختار اصلی و بتون اولیه تمدن جهان را تشکیل می دهد و از این لحاظ ادیان همواره جاذبیت های ویژه خود را دارند که مورد توجه پژوهندگان و مطالعه کنندگان تاریخ تمدن بشر قرار گیرند. اما اینکه بخواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا در حال حاضر بیشتر اندیشه ورزان جهان از مذهب و مذهبیون کناره گیری می کنند و اینک روبروی تمدن جهان از مذهب گریزان شده است، جز این نیست که بگویم این عارضه به سبب خود مذهبیون و آنها که داعیه رهبری مذهبی را دارند بوجود آمده. چه اگر بپذیریم اساس و ملاط اصلی فکر انسان و در مقیاس وسیع تر، تمدن جهان، مذهب است باید بپذیریم که هرچه بعدها در حول و حوش مذهب بعنوان اندیشه ها و فلسفه های گمراه کننده بوجود آمده از خود مذهب و البته بدآموزی های مذهبی سرچشمه گرفته است. این فکر را ممکن است غیرمذهبیون اعتقاد نداشته باشند اما ما که معتقدیم کلام نخستین از جانب خدای بزرگ صادر گشته و هم او بوده که با فراهم آوردن زمینه های یاد گیری در انسان از طریق نشانه قرار دادن نشانه ها (آیات، سنتها)، انسان غار نشین ظلوم و جهول را به قدرت های روحی و فکری اش بشارت داده تا به طریق آموزش و ارشاد به عالی ترین مراتب تمدن انسانی برسد، بنابراین باید بطریق اولی بپذیریم که هرچه بعدها در حول و حوش مذاهب به عنوان اندیشه و یا اعتقادات گمراه کننده پدید آمده، ریشه در بدآموزی های مذهبی دارد. پس اگر معتقد باشیم که خداوند بزرگ از طریق رسالت انبیا و ظهور مذاهب (از نخستین تا آخر) قصدش بر رشد و تعالی انسان و تکریم وجود آدمی بوده، بی ربط نگفته ایم و اینکه اگر معتقد باشیم؛ او دستورات و فرامینش را به سبب برآوردن این هدف تنظیم کرده، راه خلافی نپوییده ایم. با این مقدمه می توان گفت: هر فکر انحرافی که پدید می آید، ریشه در بدآموزی های مذهبی دارد. بدآموزی هایی که بدوا مذهبگرایان عامل اشاعه و انتشارش بوده اند و هستند. چه به هر حال باید بپذیریم که انسان اولیه غار نشین قبل از ظهور مذهب قادر به تفکر و تدبر کردن در خویش نبوده و شناختی از عالم واقع نداشته است. بودن قبایل وحشی و نیمه وحشی از نمونه همان انسانهای اولیه در حال حاضر در جنگلهای آفریقا یا استرالیا حقایق این نظریه فکری ما را ثابت می کند که مذهب عامل اصلی پیدایش اعتقاد درست و نادرست و به تبع آن اندیشه درست و نادرست است. بنابراین به سادگی می توان دریافت که مهمترین عامل بازدارنده در رسیدن به تمدن عالیه انسانی که جوهر اصلی هدف انبیا را تشکیل می دهد، همانا بدآموزی های مذهبی است. بدآموزی هایی که همیشه از جانب «داعیه داران» و آنها که مذهب را وسیله ای برای قدرت طلبی و کسب و تجارت تلقی می کنند، صورت گرفته است.

اینکه امروز اغلب جوامع انسانی مذهب زده و مذهب گریز شده اند، چیزی نیست که بشود آنها انکار کرد. و حقیقت آنکه مهمترین عامل پدیداری چنین وضعیتی از سوی خود مذاهب و از جانب معتقدین بدکردار آنها صورت گرفته است.

انسانهایی که در کنار فرامین مذهبی هر مفسده ای را با دین همراه می کنند و آنرا در ساختار روانی خود بکار می گیرند، به یقین مبلغ بدی برای مذهب هستند. بسخن دیگر مذهبیبون خود بزرگترین و مهمترین عاملین انتشار بدآموزی های مذهبی اند و به سبب عملکرد و تبلیغات غلط آنهاست که انسانها از مذهب گریزان شده اند.

این چنین است که مذهبیبون خود سد راه اراده الهی و رسالت انبیا در بحقیقت رسیدن جامعه «سالم» در روی زمین می شوند. رسالتی که برای به تحقق رسیدنش تاکنون هزاران نبی و ولی شهید و قربانی شده اند. و جز این نبوده که همین مذهبیبون در طول تاریخ تمدن بشر، مکررا از اولیا و انبیا کشته اند.

هابیل را که کشت ؟ برادرش . یوسف را که به چاه انداخت ؟ برادرانش. موسی را که انکار کرد، قومش. عیسی را به صلابه که کشید؟ روسای کهنه یهود. توطئه ترور محمد در محفل چه کسانی طراحی شد؟ پرده داران کعبه و بظاهر وارثان دین ابراهیم . شمشیر بر فرق علی که فرود آورد ؟ آنکه بر او فریاد کشید: «الحکم لله لا لک» . حسین و یاران و خاندانش را در کربلا چه کسانی کشتند؟ آنها که آن سوی «نهر» نماز گزارند. امام رضا را که زهر نوشاند؟ امیرالمومنین زمان . فرمان قتل منصور حلاج را که صادر کرد؟ فقیه صوفی مسلک عالی مقام زمان. عین القضات را در گونی قیراندود که پیچید و آتش زد؟ حاکم شرع زمان . آیا این نمونه ها هیچ کافی نیست تا توجیه گران خشونت از عاقبت کاری که می کنند نگران باشند؟

ما هم با همین پایه های اعتقادی ، بنای افکار و اندیشه های خود را ساخته ایم ، ما هم با مطالعه نهج البلاغه و تعظیم کربلا (نه برای کسب قدرت و درآمد بلکه برای تکریم آزادی و بروز شجاعت در اظهار عقیده ، در مخالفت با خلیفه زمان) به شکل گیری ساختار فکری و روحی خود پرداخته ایم . نگذارید که نسلهای اندیشمند و شجاع و معتقد ایرانی در این قدرت طلبی ها قربانی شوند و عده ای عصیانگر طرفدار خشونت و نادانانی که پایه و مایه ای از مذهب راستین ندارند با تظاهر به مذهب بر جان و مال مردم حاکم شوند و با ریختن خون شهدا و صالحین نفس عاصی و سرکش شان را ارضاء کنند. شرم آور است که تمامی رسالت خردگرایانه و آزادیخواهانه پیامبر گرامی مان اینک مورد دست درازی مطامع عده ای از خدا بی خبر قرار گیرد که از مذهب فقط به ظاهر آن بسنده کرده اند ، ظاهری که هیچ صورتی از واقع ندارد و فقط قرارداد انسانی است.

جامعه ما اینک به رأفت و عطوفت و رحمانیت الهی نیازمند است. اینها چیزهایی است که دلهای پراکنده ی ما را الفت می دهد و بر زخمها مان مرهم می نهد و آشتی ملی را سامان می بخشد. راستش را بخواهید اینها همان چیزهایی است که در چنین ورطه ورشکستگی اقتصادی و فرهنگی، نجات بخش مان هستند و می توانند جلوگیری فساد و خرابی های بیشتری باشند. کاری نکنید که دین و انسانیت از جامعه ما رخت بر بندد، و برای سالیان و قرنهای متمادی کفر و نفاق سراسر ایرانزمین را فراگیرد!

شرک که این همه در مذهب ما بد و مذموم شناخته شده فقط در مورد روسای مذاهب صادق است نه مردم بی خبر از همه چیز. آنهايي که تعليم خدا را می دانند اما به آن یا عمل نمی کنند یا آنرا وارونه جلوه می دهند! آنهايي که در فرامین الهی دخل و تصرف می کنند و بشراکت او و از جانب او حکم صادر می کنند. آنهايي که بنام خدا فتوا می دهند و بحرمت کلام او هر قتل و غارتی را موجه می شمارند «آقایان علما» چشمها همه به سوی شماسست و شماییید که اعمالتان ، درست یا نادرست ملاک قضاوت مردم نسبت دین است. اگر مردم از دین گریزان شوند، باعث و بانی اش شماییید و شماییید که با عملکرد غلطتان مردم را از راه خدا و رحمت او باز داشته اید. شرک از این جهت مذموم و زشت است که موجب فرار انسانها از مذهب است. شرک را خدا از آن سبب هرگز نمی بخشد، که شرک باعث قطع پیوندهای خدا با مخلوقش و بازدارنده از رسیدن به وعده الهی در تحقق جامعه «سالم» ملکوتی است . این چیزی است که شما بخوبی آنرا می دانید!

پس از چه روست که در برابر این ظلم عظیم سکوت کرده اید؟

سکوت شما از آترو توجیه پذیر است که بی گمان خود باعث و بانی این وضعیت باشید!

والا اعتراف کنید که از غیرت و حمیت اسلامی که از آن این همه دم می زنید، بلکه بی بهره اید؟